خبر

مولاوردی اعلام کرد:

طرح مطالبات زنان در کمیته اضطرار آلودگی هوا

● **ایسنا:** معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده گفت: نماینده معاونت زنان و خانواده نهاد ریاست‌جمهوری در کمیته هماهنگی و نظارت مواقع اضطرار آلودگی هوای تهران می‌تواند مطالبات زنان را در این کمیته مطرح کند و بر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی اعضای کمیته در زمینه تعطیلی مدارس تاثیر بگذارد. شهیندخت مولاوردی افزود: با توجه به اینکه ترکیب کمیته «هماهنگی و نظارت مواقع اضطرار آلودگی هوای تهران» قبلا مشخص شده است، بنابراین تا زمانی که اصلاحات لازم انجام نشود نمی‌توان نماینده معاونت امور زنان را به‌عنوان عضو دارای رای به این کمیته افزود. وی تاکید کرد: با توجه به آنکه هنگام آلودگی هوا، تماس‌های زیادی با معاونت امور زنان و خانواده گرفته می‌شود و زنان به‌ویژه زنان شاغل اظهار می‌کنند که این تعطیلات ناگهانی بر عملکرد آنان تاثیر منفی می‌گذارد و حتی آن را مختل می‌کند، حضور یک نماینده در این کمیته و تعیین تکلیف مادران شاغل در این شرایط ضرورت داشت. مولاوردی در پایان با بیان اینکه پیش از این، تصمیم‌گیری درباره تعطیلی مهدکودک‌ها، مدارس و... برعهده هیات وزیران بود، اظهار کرد: در سال‌های اخیر کمیته هماهنگی و نظارت مواقع اضطرار آلودگی هوای تهران در استانداری تشکیل شده است. اما با توجه به آنکه بر اساس قانون باید در این زمینه هیات وزیران تصمیم بگیرد قرار است این کار به روال قانونی آن بازگردد.

تعطیلات پایان هفته بارانی است

● **خبر آنلاین:** پس از حدود ۱۰روز آلودگی هوا، احتمالا از دوشنبه نیمه‌دوم هفته اوضاع بهتر می‌شود. سازمان هواشناسی اعلام کرد که تعطیلات پایان هفته بارانی است و از روز سه‌شنبه هم تهران اندکی بارانی خواهد بود. به گزارش خبرآنلاین، سازمان هواشناسی پیش‌بینی کرد که از روز دوشنبه سامانه بارشی از جنوب‌غرب و غرب وارد کشور می‌شود و برای همین شاهد بارش برف و باران در برخی نقاط کشور خواهیم بود. این سامانه از ساعات پایانی روز دوشنبه از نواحی جنوب‌غرب و غرب وارد کشور می‌شود و سبب بارش قابل‌ملاحظه باران در شمال خوزستان، کهگیلویه‌وبویراحمد، جنوب فارس و بوشهر می‌شود. در استان‌های مرکزی، همدان، تهران، آذربایجان‌ها و زنجان هم بارش باران پیش‌بینی می‌شود. بنابر اعلام سازمان هواشناسی، شاخص کیفیت هوای تهران صبح دیروز ناسالم بود و روزهای یکشنبه و دوشنبه هم تغییری در شرایط آب‌وهوایی تهران رخ نمی‌دهد اما روز سه‌شنبه، پایتخت اندکی بارانی می‌شود. همچنین شاخص کیفیت هوای تهران در دوروز آینده در مرز هشدار خواهد بود، اما با ورود سامانه بارشی و وزش باد پیش‌بینی می‌شود که از اواسط هفته، هوای تهران سالم شود. همچنین روز سه‌شنبه در ارتفاعات تهران شاهد بارش برف و در دامنه‌های البرز شاهد بارش باران هستیم. دمای هوای تهران در روز جمعه منفی‌یک‌درجه سانتیگراد بود اما از امروز به یک درجه سانتیگراد می‌رسد.

۱۴درصد خانواده‌های ایرانی بدون فرزند، ۳۳درصد تک فرزند

● **مهر:** مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال با اشاره به اینکه ۱۴/۴درصد از خانوارهای ایرانی بدون فرزند هستند، گفت: پژوهش انجام‌شده نشان می‌دهد که ۳۳درصد خانوارهای ایرانی حداکثر دارای یک‌فرزند هستند. علی‌اکبر محزون به تحقیق انجام‌شده با توجه به اطلاعات مرکز آمار ایران اشاره کرد و افزود: در این پژوهش دودرصد از جمعیت کل کشور یعنی حدود یک‌میلیون‌و۴۸۱هزارو۵۸۶نفر که ۴۲۳هزارو۶۲۷خانوار می‌شوند، مورد مطالعه بررسی‌کنندگان قرار گرفتند که نتایج آن به‌تازگی به پایان رسیده است. وی گفت: در این نمونه‌گیری زنانی که یک‌بار تجربه ازدواج را داشته‌اند مورد تحقیق قرار گرفته‌اند و طی آن مشخص شد که ۱۴/۴درصد این افراد بدون فرزند هستند که البته برخی از این زنان تازه ازدواج کرده‌اند اما در مطالعات ما محاسبه می‌شوند. مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال تاکید کرد: همچنین ۱۸/۹درصد از جمعیت مورد مطالعه فقط یک فرزند و ۲۰/۹درصد نیز دارای دو فرزند هستند.

محزون افزود: در مجموع بر اساس این آمار رسمی ۳۳/۳درصد از جمعیت زنانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند حداکثر یک‌فرزند دارند که این آمار یک‌سوم این افراد را شامل می‌شود که می‌توان این آمار را به کل جمعیت تعمیم داد. به گفته وی، این آمار در نقاط شهری متفاوت است به‌طوری‌که ۱۴/۷درصد بدون فرزند، ۱۹/۹درصد یک فرزند و ۲۲/۵درصد نیز دو فرزند دارند که این آمار نشان می‌دهد که درصد تک‌فرزندی در شهرها از میانگین کشوری بالاتر است و در نقاط روستایی نیز ۱۳/۹درصد بدون فرزند، ۱۶/۴درصد دارای تک‌فرزند و ۱۶/۷درصد نیز دارای دوفرزندهستند.

این مسوول در سازمان ثبت‌احوال به تفاوت این آمار در مناطق شهری و روستایی اشاره کرد و گفت: در خانواده‌های روستایی با توجه به نوع زندگی‌شان تعداد تک‌فرزندی کم است و پرجمعیت هستند.

شکایت سعید مرتضوی از ۸روزنامه

وکیل سعید مرتضوی از طرح شکایت موکلش از هشت‌روزنامه در دادسرای فرهنگ و رسانه خبر داد. سعید ایوبی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: موکلم از هشت‌روزنامه از جمله روزنامه‌های شرق، اعتماد، همشهری، مردمسالاری، جوان و ایران به اتهام افترا و نشر اکاذیب شکایت کرده است. وی افزود: موضوع درخواست ما به سرپرست دادسرای فرهنگ و رسانه الزام این روزنامه‌ها به چاپ جوابیه موکلم در خصوص گزارش کمیته تحقیق و تفحص مجلس از سازمان تامین‌اجتماعی است. این وکیل دادگستری ادامه داد: بر اساس تبصره۳ ماده۲۳ قانون مطبوعات، این روزنامه‌ها باید فضایی دوبرابر حجم خبری که در این‌باره منتشر کرده‌اند را به چاپ جوابیه اختصاص می‌دادند که این اقدام انجام نشد. وی افزود: همچنین در خصوص افترا و نشر اکاذیب شکایتی علیه این روزنامه‌ها مطرح شده که پرونده این شکایت‌ها برای رسیدگی به شعبه۴ و ۱۲بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه ارسال شده است. ایوبی خاطرنشان کرد: سعید مرتضوی تاکنون هیچ شکایتی را علیه خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری مطرح نکرده است.

وی در پایان درباره شکایت موکلش از وزیر کار و رییس کمیته تحقیق و تفحص مجلس از سازمان تامین‌اجتماعی نیز گفت: این شکایت‌ها در دادسرای کارکنان دولت مطرح و در حال رسیدگی است.

نهاوندیان، رییس دفتر رییس‌جمهور خبر داد

واریز هزینه درمانی دانش‌آموزان شین‌آباد به حساب بیمارستان

شرق: رجوع دانش‌آموزان حادثه‌دیده مدرسه شین‌آباد به مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری سبب شد مرحله جدیدی در روند درمانی این دانش‌آموزان آغاز شود. این دانش‌آموزان دختر که در حادثه آتش‌سوزی مدرسه ابتدایی شین‌آباد در ۱۵آذر ۱۳۹۱ دچار سانحه شدند ضمن گلایه از اینکه در این مدت آن‌گونه که به آنها وعده داده شده بود، عمل نشده و روند درمانی آنها با بن‌بست مواجه شده است، به مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری مراجعه و خواستار رسیدگی دولت جدید به وضعیت درمانی خود شدند. مسوولان مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری پس از آنکه در جریان مشکلات این دانش‌آموزان قرار گرفتند با همکاری معاونت حقوقی و دفتر رییس‌جمهور، برای بررسی دقیق مشکلات درمانی آنها که عمدتا به هزینه بالای جراحی پلاستیک صورت و دست‌وپای سانحه‌دیده این دانش‌آموزان در سانحه آتش‌سوزی مربوط می‌شد، کمیته‌ای را تشکیل دادند. این کمیته پس از نشستی با این دانش‌آموزان و نماینده آنها گزارش‌کار خود را به رییس دفتر رییس‌جمهور دکتر محمد نهاوندیان ارایه کرد تا تصمیمات آتی و نهایی درباره روند درمانی دانش‌آموزان روستای شین‌آباد از سوی ایشان اتخاذ شود. به‌همین‌دلیل و با توجه به ضرورت تسریع در حل بنیادی این مشکل، دکتر محمد نهاوندیان نشستی را با این دانش‌آموزان و خانواده آنها ترتیب داده و به سخنان و گلایه‌های آنها گوش فرا داد. در این نشست رییس دفتر رییس‌جمهور، ضمن ابراز همدردی با دانش‌آموزان حادثه‌دیده، اعلام کرد کل

مبلغ هزینه درمانی دانش‌آموزان شین‌آبادی به حساب بیمارستان واریز شده تا در اسرع وقت نسبت به درمان و جراحی پلاستیک آنان اقدامات لازم صورت گیرد.

محمد نهاوندیان در این دیدار با بیان اینکه شرایط پیش‌آمده برای همه ناگوار و تلخ است اینگونه حوادث را در نوع خود امتحانی الهی برای همه از جمله والدین این دانش‌آموزان دانست و خطاب به آنها گفت: مطمئنا شما به‌عنوان والدین این بچه‌ها در یکسال گذشته سخت‌ترین امتحان را سپری کرده و انشاءالله در این امتحان الهی نمره قبولی گرفته‌اید. وی با ابراز تاسف از اینکه سیستم اداری در دولت گذشته نتوانسته در این مدت آن‌گونه که شایسته بوده به وضعیت این دانش‌آموزان رسیدگی کند، اظهار کرد: حکومت وظیفه دارد در حد توان خود به ولی‌نعمتانش خدمت کند و این وظیفه در مواقع رخداد حوادثی از این دست مضاعف می‌شود و اینک که این اتفاق برای دانش‌آموزان شین‌آبادی در یک مکان عمومی رخ داده، دولت باید همه امکاناتش را برای التیام آلام این دانش‌آموزان به‌کار گیرد. رییس دفتر رییس‌جمهور تصریح کرد: در روزهای گذشته دولت تصمیمات خوبی برای رسیدگی به وضعیت این دانش‌آموزان اتخاذ کرده و معاونت برنامه‌ریزی ریاست‌جمهوری و وزارت بهداشت موظف به ارایه خدمات درمانی به آنها در اسرع وقت شده‌اند.

رییس دفتر رییس‌جمهور با بیان اینکه روحیه‌ای که در این بچه‌ها دیده‌ام بسیار امیدوارکننده است، گفت: این روحیه و حفظ و ارتقای آن بزرگ‌ترین سرمایه برای ادامه موفق اقدامات درمانی آنهاست. نهاوندیان اظهار کرد: دولت تمام توان خود را در حد مقدورات برای کمک به این بچه‌ها به‌کار می‌گیرد؛ اما یقینا اصل شفا و خیر متعلق به خداست و ما هم به خدا توکل می‌کنیم و از درگاه پروردگار استدعا داریم افتخار خدمت به شما را بیش از پیش به ما بدهد و هم از شما بچه‌ها می‌خواهم که با دل‌های پاک خود از خداوند بخواهید که همه مشکلات پیش‌رو را برطرف کند. رییس دفتر رییس‌جمهور در ادامه تصریح کرد: تعیین مستمری و تامین آینده این بچه‌ها را به‌طور جدی پیگیری خواهم کرد و اطمینان می‌دهم آنچه در ظرفیت قوانین و مقررات باشد، به‌صورت حداکثری اجرا خواهد شد. در همین حال در پی اعلام آمادگی شرکت بابک زنجانی برای پرداخت‌های هزینه دانش‌آموزان شین‌آبادی و پوشش رسانه‌ای گسترده این خبر، وزارت آموزش‌وپرورش اطلاعیه‌ای صادر کرد. **متن اطلاعیه به این شرح است:** با عنایت به اطلاع‌رسانی روابط عمومی برخی شرکت‌ها مبنی بر آمادگی برای پرداخت هزینه‌های درمان دانش‌آموزان شین‌آبادی، وزارت آموزش‌وپرورش ضمن سپاس از خیرین محترم مدرسه‌ساز و استقبال از مشارکت سایر اقشار و نهادهای مردمی که در طول سال‌های متمادی منشأ خیر و برکت فراوان برای نظام تعلیم‌وتربیت بوده‌اند به اطلاع می‌رساند این وزارتخانه از پذیرش هرگونه مشارکت که با انگیزه‌ای سیاسی یا در جهت تطهیر افرادی که در مظان اتهامات و گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای هستند، معذور است.

جابه‌جایی مرکزیت سیاسی، اداری از تهران؛ چرا؟ و کجا؟

سهراب مشهودی

الف) چرا؟

تهران کلانشهری است که در اغلب شاخص‌های سکونت شهری، خطوط قرمز را پشت‌سر گذاشته است:

۱- با تولید هزارو۴۰۰تن آلاینده در سال، در تهران در بیشتر روزهای سال آلاینده‌های هوا، بالاتر از مرز خطر قرار می‌گیرند، به‌گونه‌ای که بخش قابل‌توجهی از امراض ریوی و قلبی شهروندان تهران ناشی از این امر است. گفته می‌شود، این امر حداقل پنج‌سال عمر تهرانی‌ها را کوتاه‌تر از طول معمولی آن خواهد کرد.

۲- گنجایش تهران تنها برای ۷۵۰هزار اتومبیل است، یعنی ۳۰درصد تعداد اتومبیل‌های فعلی.

۳- به‌طور متوسط روزانه ۱۰میلیون ساعت وقت شهروندان در ترافیک (بیش از زمان معمول سفر) تلف می‌شود، که معادل حدود هفت‌درصد زمان کار مفید کشور است. و به‌همین علت مصرف سرانه بنزین در تهران ۲/۵برابر دیگرشهرهاست.

۴- خانم دکتر ابتکار، رییس کمیسیون محیط‌زیست شورای شهر تهران باتوجه به نتایج مطالعات آلودگی هوایی تهران، میزان بنزین در هوای تهران را ۲۰برابر مقدار مجاز اعلام کردند.

۵- دو گسل اصلی زلزله، شمال و جنوب آن را درمی‌نوردد که با ده‌ها گسل منشعب از آنها کل شهر را در زون خطر بالای زلزله قرار می‌دهد. بهرام عکاشه پدر زلزله‌شناسی ایران نیز تغییر مرکزیت سیاسی از تهران را ضرورتی تام می‌داند و معتقد است در بیش از ۱۰ کشور دیگر دنیا این عمل به‌خوبی انجام شده است.

طبق نظر مشاور ژاپنی با توجه به ریز پهنه‌بندی زلزله تهران، «اگر زلزله تهران اتفاق بیفتد، موجب بروز بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ بشری خواهد شد» و البته حتی ممکن است امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور به خطر افتد.

۶- بر اساس گزارش مخبر فراکسیون محیط‌زیست مجلس، ماهانه هفت‌هزارنفر در اثر آلودگی ناشی از ذرات معلق در فضا فوت می‌کنند.

۷- بر اساس آمار سازمان بهشت‌زهرا(س) در ۹ماه اول‌سال ۱۳۸۷ از ۳۷هزار و ۲۸۸ متوفی تهران، تنها ۱۴نفر بر اثر مرگ طبیعی فوت شده‌اند. در همین ۹ماه، شش‌هزار و ۲۴۹ شهروند تهران دچار ایست قلبی شده‌اند که در تمام‌سال قبل، پنج‌هزار و ۶۹۸نفر بوده‌اند.

۸- کاسه طبیعی تهران نیز دیگر توان پذیرش جمعیت بیشتر و عوارض آن، مثل فاضلاب و ده‌ها فشار زیست‌محیطی دیگر را ندارد. برآوردها این سقف را به‌طور مطلوب ۵/۵ و حداکثر را ۷/۵میلیون‌نفر می‌داند. این عوامل اصلی، سرنوشت رو به فاجعه تهرانند. به‌راستی آیا برای تهران راه نجاتی متصور است؟

راه‌حل‌های ارایه‌شده

طرح جامع تهران و در پی آن طرح مجموعه شهری تهران، اساسی‌ترین راهکار برای حل مشکلات یادشده، (در اولین مرحله) تثبیت جمعیت تهران را در حد هفت‌میلیون‌و۶۵۰هزارنفر (یا حداکثر ۸/۳۰۰) می‌داند. (طرح جامع اول تهران این حد را به‌درستی ۵/۵میلیون‌نفر برآورد کرده بود). درواقع برای این منطقه، که از سه طرف بسته است و هوا حتی زمان‌هایی که از طرف باز آن وارد شهر می‌شود، در آن راکد می‌گردد، ظرفیتی بیش از این مقدار، متصور نیست. این امر به‌خصوص باتوجه به اینکه اصولا تهران در منطقه‌ای مخاطره‌آمیز قرار دارد، کاملا منطقی به‌نظر می‌رسد و شاید اگر جمعیت می‌توانست کاهش یابد، حتی این امر هم توصیه می‌شد. البته بدیهی است که ابلاغ یک مصوبه نمی‌تواند این مهم را ممکن سازد و راهکارهای فکرشده و قابل‌تحقق باید بتواند زمینه انجام این تحدید جمعیت را فراهم آورد: زیرا تهران عملکردهای مختلفی دارد، که هر یک محرک تراکم و جمعیت بیشتری است: تهران مرکز سیاسی کشور و عمده‌ترین مرکز اداری و مالی کشور (۲۴درصد شاغلان بخش عمومی در تهران شاغلند) و با ۲۲/۷درصد دانشجویان، بزرگ‌ترین مرکز تحصیلات عالیه است. بیش از ۴۰درصد صنایع در آن مستقر است، ۳۰درصد تولید ناخالص داخلی و ۲۶درصد ارزش افزوده در آن شکل می‌گیرد، بزرگ‌ترین مرکز خدمات پزشکی است و بسیاری از خدمات در سطوح عالی‌تر در آن قرار دارند، به گونه‌ای که ۳۹درصد خدمات در آن ارایه می‌شود. تاکنون راه‌حل‌های کاهش عملکردها و در پی آن جمعیت تهران از دو ویژگی عمده تبعیت کرده‌اند:

۱- از دو بخش عملکردهای عامل و عملکردهای معلول، همواره عملکردهای معلولی را هدف گرفته‌اند.

۲- از دو روش محتمل برای انجام طرح، یعنی راهکاری که بخش عمومی متولی آن باشد و راهکاری که مردم و بخش خصوصی باید مشکلات آن را تحمل کنند نیز راه‌حل دوم انتخاب شده است. نه تنها در گذشته این طور بوده، در آخرین طرح مصوب (یعنی طرح مجموعه شهری تهران) نیز همین روش پیشنهاد شده است. مشکل تهران، مشکلی ملی است و تنها وقتی می‌تواند حل شود که دولت بار آن را به دوش بکشد و بخش عمومی برای این امر مایه بگذارد. در واقع راه‌حل اساسی، حمله به اصلی‌ترین علت توسعه شدید تهران یعنی مرکزیت سیاسی- اداری است. با حذف مرکزیت سیاسی، بخش عمده‌ای از مرکزیت اداری و مالی نیز به تغییر مکان می‌پردازند و تهران با حذف این عملکردها، فرصت می‌یابد که با محدودشدن جمعیت در یک حد ثابت، به تمام برنامه‌های پیش‌گفته شده، جامه عمل بپوشاند و جز این، راهی برای خارج شدن از این دایره بسته وجود ندارد.

تحلیل نظرات مخالفان حذف مرکزیت سیاسی

از مهم‌ترین مسایلی که گروه مخالف، بیان می‌کنند هزینه سنگین جابه‌جایی مرکزیت سیاسی از تهران به مکان دیگری است که به سه دلیل، چندان پایه‌های محکمی ندارد. اول اینکه وسعت شهرهای ایران هر ۱۵سال، دو برابر می‌شود، بنابراین جابه‌جایی یاد شده که حداکثر ۱۰درصد این توسعه را دربر می‌گیرد، چندان نشدنی نیست و دلیل دوم اینکه تهران به وسعتی رسیده که توسعه در آن به‌طور تصاعدی (از احداث یک شهر جدید یا رشد یک شهر کوچک) گران‌تر تمام می‌شود و ثالثا شهرهای ایران با ضریب تخریبی چهاردرصد همواره در حال بازسازی‌اند، یعنی هر ۲۵سال شهرهای کشور دوباره ساخته می‌شوند. به‌علاوه کشورهای بسیار فقیرتری در همسایگی ما، این راه را قبلا پیموده‌اند. بدون شک با عدم تغییر مرکزیت سیاسی پاکستان از کراچی به شهر جدید اسلام‌آباد، کراچی الان توان ادامه حیات نداشت، در حالی‌که به شهری بسیار مناسب‌تر بدل شده است. عین همین امر در مورد هندوستان و تغییر مرکزیت سیاسی از بمبئی به دهلی نو و در ترکیه با تغییر پایتخت از استانبول به آنکارا، اتفاق افتاده و ممکن شده است. اشاره به شکست احداث شهرهای جدید کشور نیز اشتباه است، زیرا این شهرها که قرار بود با هدف سکونت افراد کم‌درآمد شهرهای مادر شکل گیرند، به‌علت بالا بودن استانداردهای موردعمل، قادر به جذب این گروه نشد و به‌علاوه با احداث شهر به وسیله بخش عمومی (که با وجود دریافت کل هزینه ساخت قادر به احداث تاسیسات و تجهیزات آنها نشدند) این شکست حاصل شده است. به‌علاوه در شرایط حاضر و خیل عظیم بیکاری، ساخت یک پایتخت جدید با ده‌ها صنعت وابسته وهزاران شغلی که ایجاد می‌کند، می‌تواند به اقتصاد کشور و کاهش بیکاری کمک هم بکند.

برآورد کاهش جمعیت تهران

براساس آخرین مطالعه (دهه گذشته) تعداد کارکنانی که با تغییر پایتخت از تهران منتقل می‌شوند ۱۱۲هزارنفر هستند که با خانواده آنها حدود ۴۵۰هزار نفر خواهند شد و با احتساب ۱/۵ شغل جنبی و تبعی، سقف جمعیت منتقل شونده به حدود یک میلیون‌نفر می‌رسد. لیکن اصلا این مقدار به شرحی که در پی می‌آید، مهم نیست بلکه مهم این است که تغییر پایتخت موجب کاهش رشد فزاینده جمعیت تهران می‌شود.

تغییر پایتخت در نیم‌قرن اخیر

از ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ در ۱۳ کشور تغییر پایتخت اتفاق افتاده، که آخرین آن در ۱۹۹۷ در کشور قزاقستان از آلماتی به آستانه و این کار با ۴۰۰میلیون‌دلار بودجه آغاز شده است.

اثرات مثبت دیگر تغییر پایتخت

لیکن مهم‌تر از هر دو اینها (کاهش جمعیت و کاهش رشد جمعیت) این است که با تغییر پایتخت حدود ۳۰درصد از حجم آمدوشد شهری کاسته می‌شود و حدود ۴۰درصد از مسافرت‌های کاری شهرستانی‌ها به تهران و آمدوشد آنها در تهران کم می‌شود. در نتیجه حجم آمدوشد و در پی‌آمد آن آلودگی هوای تهران که ۷۰درصد به آمدوشد مربوط است تا حد قابل تحملی کاهش می‌یابد. در این بین باید یادآوری کرد که پیشنهاد انتقال مرکز سیاسی تهران، پیشنهاد انتقال تهران نیست گرچه این تجربه که ۳۹ بار در کشور اتفاق افتاد، تجربه مکرری در ایران است ولی به‌هر حال قرار نیست با این انتقال، تهران و مسایل آن فراموش شود. انتقال مرکز سیاسی از تهران و به تبع آن تعدادی از مشاغل مرتبط، تنها به تهران فرصت می‌دهد که از توسعه بیشتر ناشی از حضور آن عملکردها نجات یابد و در یک دوره چندده‌ای، به مسایل خود پاسخ گوید و در آینده به کلانشهری مطلوب بدل شود.

ب) کجا؟

تجارب متعدد دنیا در جابه‌جایی پایتخت انواع روش‌های ممکن را تجربه کرده است و بدون‌شک جمع‌آوری نتایج این انواع جابه‌جایی، کمک بزرگی به انتخاب روش مناسب برای ایران، ایفا خواهد کرد که ذیلا به این انواع و چگونگی تطابق آنها با ایران می‌پردازیم.

یک- جابه‌جایی به یک شهر موجود دیگر

این تجربه به شکل متعدد در جهان صورت پذیرفته، در همسایگی ما تغییر پایتخت از استانبول به آنکارا در ترکیه، به‌علت گذشت سال‌ها از آن کاملا می‌تواند تجربه‌ای در دسترس باشد. شهری که در ایران کاملا پتانسیل‌های مناسب را برای این امر دارد، شهر مشهد است.

این شهر با قدرت پذیرش هشت تا ۱۰برابر جمعیت به‌عنوان زوار به‌سادگی جذب جمعیت ۲۵۰ تا۵۰۰هزارنفری شاغل در مرکزیت سیاسی- اداری کشور را داراست.

اغلب وزارتخانه‌ها و ادارات در آن میهمانسراهایی دارند و تغییر ۱۰ تا ۱۵درصدی هتل‌های آن به ادارات موقت در مدت کوتاهی ممکن است. بنابراین در صورت انتخاب آن جابه‌جایی مرکزیت اداری- سیاسی، به آن در مدت بسیار کوتاهی ممکن است.

«اورکد» جغرافیدان فرانسوی نیز سال‌ها قبل که تغییر پایتخت‌های ایران را بررسی می‌کرد، پیش‌بینی کرد که با توجه به شواهد تاریخی، «مشهد» مرکزیت آینده ایران خواهد بود.

شهر دیگری که این پتانسیل را (البته با شدت کمتر) دارد، اصفهان است که به‌علت جذب گردشگران زیاد می‌تواند در سطحی کمی پایین‌تر، این امکان را فراهم آورد.

دو- جابه‌جایی به یک شهر جدید

تجربه برزیل مشهورترین آن است. در این تجربه کشور مباحث دیگری را هم مثل ساماندهی متناسب‌تر پراکنش مراکز جمعیت از سواحل به مرکز کشور را هم مدنظر داشته، که شاید خیلی قابل تطبیق با ایران نباشد.

البته شانس دیگر این است که یکی از حدود ۲۰ شهر جدید ساخته‌شده بعد از انقلاب برای این امر برگزیده شود که پرند به‌علت نزدیکی به تهران و امکان تخلیه تدریجی مرکزیت سیاسی- اداری به آن و همین‌طور نزدیکی به فرودگاه بین‌المللی امام شانس بیشتری دارد. البته به شرط اینکه از نظر جغرافیایی، آب و هوا و امکانات گسترش هم بتواند پاسخگوباشد.

البته نزدیکی بیش از حد به شهر قدیم ممکن است عملا مرکز را جابه‌جا نکرده، فقط آن را وسعت بخشد.

شهر جدید هشتگرد هم در درجه‌دوم و با شانس کمتری می‌تواند مورد بررسی واقع شود.

سه- در جوار یک شهر موجود

تجربه دهلی‌نو در نزدیک دهلی از این انواع است. در این تجربه از امکانات شهر موجود هم برای شکل‌گیری تدریجی پایتخت جدید بهره‌برداری می‌شود.

شهری که در این رابطه بیشترین شانس را دارد، شهر سمنان است به دلایل زیر:

- فاصله مناسب آن با تهران و وجود خط آهن که می‌تواند با قطارهای سریع در ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به تهران مرتبط شود.
- وجود اراضی بایر فراوان در آن
- قرارگیری در موقعیت جغرافیایی نسبتا مناسب از نظر زلزله و جریان هوا
- وجود کوه‌های بسیار مناسب در شمال آن و امکانات تامین آب از آنها
- امکانات دسترسی با خط آهن سریع به فرودگاه امام
- وجود فاصله در حدی که به‌تدریج سکونت اداریون و سیاسیون را در تهران کم‌صرفه کند.

در حالی که در نمونه پرند، ممکن است برای همیشه سکونت در تهران و کار در پرند باقی بماند و مشکل زیادی از تهران حل نشود.

خبر

حجاج ایرانی ۸۱۰میلیاردتومان سوغات چینی خریدند

● **مهر:** هرسال چیزی در حدود ۸۱۰میلیاردتومان توسط زایران سرزمین وحی از کشور خارج می‌شود. زایران برای رسیدن به این هدف، سال‌ها صبر و تلاش کرده‌اند تا توفیق چنین سفری نصیب‌شان شود. به همین دلیل می‌توان گفت این حق آنهاست که تمام تلاش خود را برای بهره‌بردن از فرصت پیش‌آمده به‌کار بگیرند، اما نکته اینجاست برخی زایران از این فرصت پیش‌آمده که ممکن است در زندگی هر شخص فقط یک‌بار فراهم شود، آنطور که بایدوشاید بهره نمی‌برند. آنها در فضای معنوی حج دچار غفلت شده و زمان زیادی را به بازارگردی و تهیه سوغات برای اقوام و آشنایان خود اختصاص می‌دهند. این در حالی است که دوستداران واقعی آنها هیچ توقعی برای خرید سوغاتی از آنها ندارند و همین برای آنها کافی است که مسافرشان وقتی از خانه خدا به کشورش بازگشت، زندگی جدیدی را شروع کند؛ زندگی جدیدی را که هر زایری هنگام طواف خانه خدا قول و قرارش را با معبودش می‌گذارد.

چنانچه هر زایری عمل به این قول و قرار را به‌عنوان ارمغان برای دوستان و آشنایان همراه بیاورد دست به کار بزرگی زده است، کاری که ارزشش از هزاران تحفه و سوغاتی مادی بیشتر است.

البته آوردن سوغات اگر در حد عرف باشد کار پسندیده‌ای است، اما چنانچه این ماجرا سبب شود زایر در سرزمین وحی از هدف سفر خود فاصله بگیرد، قابل‌توجیه نیست؛ زیرا این روزها کالاهایی که به‌عنوان سوغاتی در عربستان به فروش می‌رسد، بیشتر محصول کشور چین است و باید تاکید کرد که این وسایل در کشور خودمان نیز در دسترس همگان قرار دارد. به همین دلیل باید به زایرانی که در انتظار مشرف‌شدن به خانه خدا هستند، هشدار داد فرصت پیش‌آمده را صرف خرید سوغاتی‌هایی که در کشورمان نیز وجود دارد، نکنند. این در حالی است که با یک حساب سرانگشتی می‌توان میزان ارزی را که زایران با خرید سوغاتی از کشور خارج می‌کنند، بررسی کرد؛ برای نمونه، چند سالی است به زایران تمتع و عمره ۳۰۰دلارارز پرداخت می‌شود؛ یعنی به حدود ۹۰۰هزار زایر حج و عمره در سال حدود ۲۷۰میلیون‌دلارارز تعلق می‌گیرد. حال اگر فرض کنیم زایران خانه خدا همین ۳۰۰دلار را صرف خرید سوغاتی کنند، می‌توان نتیجه گرفت هر سال چیزی حدود ۸۱۰میلیاردتومان از سوی زایران سرزمین وحی از کشور خارج می‌شود. حال اگر این هزینه صرف خرید اشیای بی‌کیفیت ساخت چین شود، باید گفت زایران در اولین گام خود بعد از بازگشت از خانه خدا دچار اشتباه شده‌اند؛ زیرا آنها به نفع کشور و هموطنانشان عمل نکرده‌اند. به همین دلیل باید به زایران یادآور شد، عزیزان و دوستداران واقعی‌شان چیزی جز آرزوی سلامت و سفری پربار برای آنها ندارند و چنانچه حجاج بتوانند از فرصت پیش‌آمده برای توانمندترکردن خود- که یکی از نتایج آن کمک به دیگران است- بهره ببرند، تحفه‌ای ماندگار را از سرزمین وحی با خود به ارمغان خواهند آورد.

خبر ویژه

قدردانی بمی‌های مقیم پایتخت از خیرین

● پنجم‌دی برابر بود با دهمین سالگرد زلزله دلخراش شهر تاریخی بم، به همین منظور مراسم یاد درگذشتگان این حادثه غمبار در ساعت ۱۶الی ۱۹روز پنجشنبه پنجم‌دی ۱۳۹۲ در سالن همایش هتل لاله تهران با حضور ۵۰۰نفر از بمی‌های مقیم پایتخت و با حضور سازمان‌ها و نهادهای دولتی، گروه‌های امدادرسان، نمایندگان سفارت واتیکان و نهاد کاریتاس ایتالیا و یونیسف و یونسکو و سایر خیرین و نیکوکاران داخلی و خارجی برگزار شد.

جامعه بمی‌های زخم‌دیده قهر طبیعت، تصمیم به اهدای لوح نمادین سپاس از خیرین و نیکوکاران انسان‌دوستی که در مواقع بحران به یاری هموطنان و انسان‌های گرفتار در بلایای طبیعی کمک می‌کنند، گرفت. هدف از این حرکت نمادین، فرهنگ‌سازی «تشکر و قدردانی» در جامعه است. اهدای لوح‌تقدیر و تشکر با حضور آقایان مرعشی و ناروبی (نماینده سابق مردم بم در مجلس شورای اسلامی ایران) و نمایندگان فرهنگی مردم بم (آقایان اهورا ایمان، مقدم و حامد عسگری) به سازمان‌ها و نهادهای انسان‌دوست داخلی و خارجی از جمله سفارت واتیکان، شرکت کاریتاس ایتالیا، سازمان یونیسف و سازمان یونسکو اهدا شد. این حرکت نمادین توسط جامعه بمی‌های مقیم پایتخت به نمایندگی از مردم شهرستان بم به این نهادها اهدا شد. امید است تا زمینه فرهنگ‌سازی «تشکر و قدردانی» در جامعه نهادینه شود. به‌دلیل نبود اطلاعات کافی از تمامی افراد حقیقی و حقوقی که در زمان زلزله به کمک مردم بم شتافتند باعث شد تا نتوانیم به آنها دسترسی داشته باشیم و آنها را به مراسم مذکور دعوت و از آنها قدردانی کنیم. امید است در سال‌های آتی از آنها به نحو احسن تشکر و قدردانی شود.